

← نوع چهارم دهم : مجمل و بسین

مجموعه آیه‌ها هستند که دلالتشان واضح نباشد، که بجهت فرقه‌های اسلامی غیر از ظاهر به مقتضای دفع
مجموعه در قرآن هستند.

آیا مجمل می‌تواند مجمل بانی بماند، یا بر خداداد فرض است که آنرا رفع اجمال کند؟
مجموعه دو نوعند، برخی در اعتقاد است و برخی در حوزه رفتار بندگان که باید بدان عمل شود.
نظر سومی این است که مجمل‌ها که باید به آنها عمل شود، مجمل بانی نمی‌مانند مانند
✓ اقم الصلوة * ✓ اقم الصلاة * ✓ اقم الصلاة * ✓ اقم الصلاة *

← سببهای اجمال در قرآن :

۱. اشتراك لغوی : ✓ واللّیل اذا عکس * سیم به معنای آدبر (روی گردانید) و سیم به معنای
آبیل (پس آید) استعمال شده

✓ ثلاثه فرود *

✓ اذ یغفر الذی بیده عقدة الکناح * شود بر دوی او برود و اسامی می‌شود.

۲. حذف : ✓ و یغفرون ان یتلوهن *

رفع عن ← لغوی گردانیدن
رفع فی ← سببهای سبب
احتمال حذف عن دنی برود وجود دارد.

۳. احداث مرجع صحیفه: إليه يصعد العلم الضيب والعمل الصالح يرفعه *

۱. صحیفه فاعل یرفعه (هو) به صحیفه الیه سے خدا باز خورد۔ خدا خوب یہی خدا بالائی بود و خدا عمل صالح را بالائی بود.
۲. صحیفه فاعل یرفعه (هو) بہ عمل صالح باز خورد۔ عمل صالح فاعل خوب را بالائی بود.
۳. صحیفه فاعل یرفعه (هو) بہ العلم الضیب باز خورد۔ العلم الضیب بہ تعجب عمل صالح را بالائی بود.

۴. احتمال عطف و استئناف: إلا... و المراسلون فی العلم *

۵. غرابت لفظ: فلا تعلموهن * منع کردن

۶. عدم اثر استعمال در وقت حاضر: یلقون السمع * شنیدن

باکی عصبه * ^{مفاد} ^{اسم فاعل باکی به یلقون} ^{افسانه شجره} فاصبح یطلب لقیه * باستانی

۷. تقدیم و تاخیر:

ولولا طه سبقت من رب لکان لزلزالا * ولولا طه و اجل سبقت من رب لکان لزلزالا.

سیالونک کانک حتی عنها * سیالونک عنها کانک حتی. از تو می پرسند از کار تو کاملاً آنچه از آن

۸. قلب کردن مبتدئ: وضعد سینین * سیناء علی آل تیس * علی آل

جو اگر بجای من ، جو بدلایم دیکھا عذرا نہ ہو۔ من بیانہ اسن

X
9. تکراری کہ در ظاہر اتصال طلاق واقع می کند:

✓ للذین استصحبوا من اسن منهم *

← فصل در اتصاف تبیین 8

تبیین متصل 8 ✓ طوا و اشروا حتی تبیین للتم الضیة الابيض من الضیة الاسود من العجز *
تبیین متصل

← تبیین منفصل 8

✓ فبان طلقها فلا کل له من بعد حتی تنلج زرجا غیره * ← الطلاق مرتان *

نشان می دهد که منظور طلاق این است که رجوع بعد از آن را اختیار داشته باشند

از بیاسیر برسد شده که خدا می فرماید: الطلاق مرتان * پس کوئی بود؟ بیاسیر: فایساک میگردد او تسبیح بچکان *

✓ رجوع یوسئذ ناضرة * الی ربها ناضرة * تبیین ✓ لا تدوله الابصار *

ابصار (بین خدا را تبیین می کند) ← یعنی مراد از لا تدوله الابصار * لا کتبه است یعنی احاطه پیدا نمی کند نه لا تراہ ← یعنی بینند.

✓ اطلت لهم بهیمة الانعام الا ما تنلی علیهم * تبیین ✓ ضربت علیهم المیتة *

حیوانات علفخوار بر ما حلال شد ضرایح که خواهم گفت

✓ ياك يوم الدين * سین ✓ وما أدراك ما يوم الدين * ثم ما أدراك ما يوم الدين * يا كلاك ✓
لنفس شيناً والامر يومئذ ... *

✓ تعلق آدم من ربه طمات * سین ✓ قالا ربنا طمنا انفسنا ... *

✓ واذا بشر احدكم بما ضرب للرحمن مثلاً * سین ✓ واذا بشر احدكم بالانثى ظل وجهه مسوداً *

✓ واذنوا مكذبين سین ✓ انتم الصلوة وانتم الزلوة وانتم بريئ ✓

عبدی در خدا از مردم جداست
✓ واقرضتم ... قرضاً حسناً لا تفرحوا بما آتاكم ... *
هر خدا بقیه مردم

✓ صراط الدين انكث عليهم * سین ✓ اولئك الذين انعم الله عليهم ✓ من النبیین ✓ من ذرية آدم ✓ ومن ولدنا

مع نوح ومن ذرية ابراهيم واسرائيل ومن عدينا واجتبتنا اذا

داز این بقیه عدالت کردم و با آنها اخذ می نمودم

تلقى عليهم آيات الرحمن فرداً سجداً وبقياً *

در هر گاه آيات رحمت ما بر آنها نازل شود با توبه روی آنهاست بر حال نماند.

← سین محل در حدیث ✓ وايموا الصلوة واتوا الزلوة * ✓ دا... على انكس حج البيت *

← آیاتی از قرآن که اخذ از سوره که آیا از قبیل تحمل هستند یا خیر :

← آیه ذری ←
۱. دلت = تاسان، تا آویخ و باره
۲. قطع = جدا کردن - مجروح کردن
در کلام از معانی ظهور ندارد. = اجمال دارد.
= به قوی در جدا کردن ظهور دارد = اجمال ندارد

← ک و استسوا بر ذلکم *
= سح عام سر یا قسمی از سر = کجل = سارع بسین کی کند = جلوی سر
= مطلق سح = کترین متواری که عنوان سح بر آن منطبق شود = اجمال ندارد
= شیشه = باد = منظور قسمی از سر است. = بدل اجمال

← ک حرس علیکم ایها الذم *
= کجل = حرس به کل تعلق می خورد نه عین چیزی = تکلفی تکلفی محمل است
= کجل بین = عرف حکم کی کند که حرس به چه تعلق سرد و سرخ دارد.

← ک اجل اول البیع و حرم ارباب *

X

آیات نه نهایی شرعی در آنها وجود دارد ←

✓ و اتبعوا الصلوة و اتوا الزلوة * ✓ فمن شهد منكم الشهر فليصمه * ✓ و... علی النبی حج البیت *

← اجال دارد ← صلاة پر دعای راستی می شود صدقه به براسالی گفته می شود حج به بر قصدی گفته می شود ← پس نیز دارد
← اجال ندارد ← بر معنای خاص خود دلالت دارند مگر اینکه دلیلی آنها را تخصیص زند

← نظر آن مختار در مورد محلی و کمال ؟ X